


À la recherche du naturalisme dans les œuvres de Sadegh Chubak par la lecture du *Roman Expérimental*

Sadi Jafari Kardgar¹ (Auteur correspondant) 

Maître-assistant Département de Français, Branche Mashhad, Université Azad Islamique, Mashhad, Iran

Résumé

L'analyse des critiques portées sur les œuvres de Sadegh Chubak montre une sorte de désaccord dans son attribution au naturalisme. Certains le considèrent comme un écrivain naturaliste, et d'autres le perçoivent comme original et novateur. En raison de ces opinions différentes et parfois contradictoires, les lecteurs de ces critiques risquent de ne pas avoir une compréhension claire de cette école et peuvent se retrouver dans l'incertitude quant à l'exactitude de l'emploi de l'étiquette "naturaliste" pour Chubak.

Afin de résoudre les ambiguïtés mentionnées, nous avons décidé de relever les principes du naturalisme selon les théories d'Emile Zola dans le manifeste du naturalisme, *Le Roman expérimental* pour pouvoir étudier l'influence de Zola sur Chubak. Nous avons tout d'abord expliqué les concepts de «roman expérimental», «méthode expérimentale», «romancier», «déterminisme» et «style». Ensuite, la méthode, les thèmes, les personnages et le style de Zola et de Chubak ont été comparés.


Selon les résultats de cette recherche, il semble que le manifeste du naturalisme français n'ait pas reçu beaucoup d'attention de la part des critiques iraniens et n'ait pas été largement utilisé. C'est peut-être la raison des perceptions diverses et parfois insuffisantes de cette école. Les différences évidentes entre les deux écrivains peuvent être vues dans des choses telles que la méthode, les thèmes, les personnages, voire le style. Sur la base des principes présentés dans le manifeste du naturalisme français, Sadegh Chubak apparaît davantage comme un écrivain original que comme un naturaliste.

Mots-clés : Sadeq Chubak, Émile Zola, Naturalisme, Roman expérimental, Manifeste du naturalisme, Déterminisme.

¹. E-mail: sadijafari@mshdiau.ac.ir
<http://orcid.org/0000-0003-0067-6361>

DOI: <https://doi.org/10.22067/RLTF.2023.82001.1082>

In Search of Naturalism in Sadegh Chubak's Works by Reading the *Experimental Novel*

Sadi Jafari Kardgar¹ (Corresponding author) 

Professor assistant, Department of French, Mashhad Branch, Islamic Azad University, Mashhad, Iran

Abstract

The analysis of the criticisms made on Sadegh Chubak's works shows a kind of disagreement in his attribution to naturalism. Some classify him a naturalist, while others consider him original and innovative. A noteworthy point in the analyses of these critics is the absence of a precise and documented definition of naturalism and its principles. Due to the existence of various opinions, not only the reader of these criticisms will not get a clear understanding of naturalism but also doubts about the application of the naturalist etiquette for Chubak. In order to resolve the mentioned ambiguities, we decided to emphasize the principles of this literary school based on the theories of Emile Zola in the manifest of the naturalism and experimental novel to be able to study the influence of Zola on Chubak. First, the concepts "experimental novel", "experimental method", "novelist", "determinism" and "style" were explained. Then, the methodology, concepts, characters and style of Zola and Chubak were compared. The results showed that, apparently the manifest of French naturalism has not received much attention and use by Iranian critics. The reason may be the diverse and sometimes vague insufficient perceptions of this school. The obvious differences between the two writers can be seen in such issues as methodology, concepts, characters, and even style. Based on the principles presented in experimental novel, Sadegh Chubak is more original than naturalist.

Keywords: Sadegh Chubak, Emile Zola, Naturalism, Experimental novel, Manifest of naturalism, Determinism.

¹. E-mail: sadijafari@mshdiau.ac.ir
[http:// orcid.org/ 0000-0003-0067-6361](http://orcid.org/0000-0003-0067-6361)

DOI: <https://doi.org/10.22067/RLTF.2023.82001.1082>

در جست‌وجوی ناتورالیسم در آثار صادق چوبک از طریق خوانش رمان تجربی

مقاله پژوهشی

سعیدی جعفری کاردرگر^۱ (نویسنده مسئول)

استادیار گروه فرانسه، واحد مشهد، دانشگاه آزاد اسلامی، مشهد، ایران

چکیده

بررسی نقدهای انجام‌شده بر آثار صادق چوبک بیانگر نوعی اختلاف نظر در انتساب او به ناتورالیسم است. برخی او را نویسنده‌ای ناتورالیست می‌پندارند و برخی دیگر اصیل و نوپرداز. نکته قابل تأمل در تحلیل‌های این منتقدان، فقدان تعریف دقیق و مستندی از ناتورالیسم و اصول آن است. به دلیل وجود دیدگاه‌های متفاوت و گاه متناقض، خواننده این نقدها نه تنها به درک درستی از ناتورالیسم نخواهد رسید، بلکه در مورد صحت کاربرد برچسب ناتورالیست برای چوبک نیز دچار تردید خواهد شد. با هدف یافتن پاسخ‌های ابهامات ذکرشده، تصمیم گرفتیم اصول این مکتب را براساس نظریه‌های امیل زولا در مانیفست ناتورالیسم، رمان تجربی استخراج کنیم تا بتوانیم تأثیر زولا بر چوبک را مورد بررسی قرار دهیم. ابتدا مفاهیم «رمان تجربی»، «متد تجربی»، «رمان‌نویس»، «جبرگرایی» و «سبک» تبیین شدند. سپس روش کار، مضامین، شخصیت‌ها و سبک زولا و چوبک مورد قیاس قرار گرفتند. براساس نتایج این تحقیق، ظاهراً بیانیه ناتورالیسم فرانسوی چندان مورد توجه و استفاده منتقدان ایرانی قرار نگرفته است. شاید دلیل برداشت‌های متنوع و گاه نارسا از این مکتب، همین موضوع باشد. تفاوت‌های آشکار میان دو نویسنده در مواردی همچون روش کار، مضامین، شخصیت‌ها و حتی سبک دیده می‌شوند. براساس اصول مطرح‌شده در رمان تجربی، صادق چوبک بیشتر نوآور است تا ناتورالیست.

کلیدواژه‌ها: صادق چوبک، امیل زولا، ناتورالیسم، رمان تجربی، مانیفست ناتورالیسم، جبرگرایی.

^۱ E-mail: sadijafari@mshdiau.ac.ir

DOI: <https://doi.org/10.22067/RLTF.2023.82001.1082>

<http://orcid.org/0000-0003-0067-6361>

۱. مقدمه

صادق چوبک (۱۲۹۵-۱۳۷۷) یکی از نام‌های تأثیرگذار در ادبیات داستانی معاصر ایران است. وی به دلیل نوشتن حدود سی داستان کوتاه، بیشتر به عنوان نویسنده داستان کوتاه شناخته می‌شود، اما با داشتن دو رمان تنگسیر و سنگ صبور در کارنامه ادبی خود، در زمره رمان‌نویسان مطرح فارسی نیز قرار می‌گیرد. چوبک و آثارش مورد مطالعه بسیاری از منتقدان قرار گرفته‌اند. در بررسی نقدهای انجام‌شده درباره او، یک نکته جلب توجه می‌کند و آن اختلاف نظری است که در میان منتقدان ایرانی در انتساب او به مکتب ادبی ناتورالیسم وجود دارد. تعداد قابل توجهی از ایشان به زعم خویش با استخراج شواهدی از ویژگی‌های ناتورالیسم در آثارش از چوبک به عنوان نویسنده‌ای ناتورالیست نام می‌برند. اما در مقابل، تعداد اندکی از منتقدان به گونه‌ای دیگر می‌اندیشند و طبقه‌بندی چوبک در گروه نویسندگان ناتورالیست را ناشی از عدم شناخت درستی از او و آثارش می‌دانند. به نظر می‌رسد که این اختلاف نظرات میان محققان ناشی از فقدان برداشتی مشترک نزد آن‌ها نسبت به مفهوم واحدی به نام ناتورالیسم باشد. به همین دلیل خواننده این نقدها، به تعریفی مشخص از ناتورالیسم نمی‌رسد. براساس آنچه که گفته شد در این تحقیق سعی خواهیم کرد که به چند پرسش پاسخ داده شود: ۱. تعریف ناتورالیسم براساس نظریه بنیانگذار این مکتب چیست و اصول این مکتب کدامند؟ ۲. اختلاف نظر میان منتقدان درباره چوبک از کجا ناشی می‌شود؟ ۳. آیا براساس این تعریف، صادق چوبک را می‌توان نویسنده‌ای ناتورالیست نامید؟

فرضیاتی که ما در این تحقیق به دنبال اثبات آن‌ها هستیم چنین هستند: ۱. ناتورالیسم زولا بر دو اصل استوار است: جبر وراثت و جبر جامعه. این دو اصل، ضرورت مطالعه زندگی چند نسل از یک خانواده را اجتناب‌ناپذیر می‌سازند؛ ۲. تعریف دقیق ناتورالیسم در مانیفست این مکتب، مورد استناد برخی از منتقدان ایرانی قرار نگرفته است، به همین دلیل دریافت ایشان از مفهوم ناتورالیسم شخصی، متکثر، متفاوت و گاه غیرقابل استناد است. ۳. براساس تعریف زولا از ناتورالیسم در رمان تجربی، صادق چوبک علی‌رغم شباهت‌هایی اندک، نویسنده‌ای ناتورالیست نیست.

برای یافتن پاسخ پرسش‌های طرح‌شده، پس از نگاهی مختصر به پیشینه تحقیق و تعیین چارچوب نظری آن درباره ناتورالیسم، رمان تجربی، متد تجربی، رمان‌نویس و جبرگرایی اصل اساسی ناتورالیسم و همین‌طور ساختار حاکم بر مجموعه بیست‌گانه رمان‌های زولا به نام روگون ماکار^۱ سخن خواهیم گفت. در ادامه، مقایسه‌ای میان روش کار، مضامین، شخصیت‌ها و سبک زولا و چوبک انجام خواهیم داد که البته بررسی سبک، محدود به موضوع کاربرد زبان گفتاری در نوشتار ادبی خواهد بود و مثال‌های این بخش، برگرفته از سه اثر *لا سوموار*^۲، *ژرمینال*^۳ و *نانا*^۴ از زولا و سه اثر *سنگ صبور*، *تنگسیر* و *انتری که لوطی‌اش مرده بود* از چوبک خواهند بود.

۲. پیشینه تحقیق

جست‌وجوی مؤلفه‌های یک مکتب ادبی در آثار نویسندگان ایرانی یکی از موضوعات مورد علاقه محققان است و تنها به ناتورالیسم محدود نمی‌شود. برای مثال حیدری و قرایی (۱۳۹۸)، در مقاله‌ای تأثیر رئالیسم فرانسوی از طریق مطالعه تطبیقی دو اثر، یکی از بالزاک و دیگری از آل‌احمد را مورد بررسی قرار داده‌اند. بیشتر منتقدان ایرانی در بررسی آثار صادق چوبک به موضوع ناتورالیست بودن او نیز پرداخته‌اند. البته چوبک تنها نویسنده منسوب به ناتورالیسم نیست. محمود دولت‌آبادی و ابراهیم گلستان نیز در این فهرست قرار می‌گیرند. در تحقیقی با «عنوان ابراهیم گلستان در میانه راه ناتورالیسم» فارسیان و جوانمردی پس از یافتن مشابهت‌هایی، گلستان را نویسنده‌ای شبه‌ناتورالیست قلمداد کرده‌اند و یادآور می‌شوند که: «ناتورالیسم گلستان نمونه دقیقی از ناتورالیسم زولا نیست». (2014, p.52) فارسیان و علوی در مقاله‌ای دیگر تحت عنوان «بررسی تطبیقی مفهوم جبرگرایی در آثار امیل زولا و محمود دولت‌آبادی به مقایسه رمان‌های *لا سوموار* و *روزگار سپری‌شده* مردم سالخورده» می‌پردازند: «در بررسی تطبیقی این دو اثر، به رغم شباهت‌های بسیار، به تفاوت‌هایی نیز در دیدگاه دو نویسنده در زمینه جبر علمی پی می‌بریم که برآیند شرایط فرهنگی - اجتماعی ایران و فرانسه است» (۱۳۹۸، ص. ۱۱۹). در مورد

1. Rougon-Macquart

2. L'Assommoir

3. Germinal

4. Nana

صادق چوبک و ناتورالیسم، گزیده‌ای از نظرات محققان را مرور می‌کنیم. آذر نفیسی در مقاله خود تحت عنوان «زبان داستانی صادق چوبک در سنگ صبور» چنین می‌نویسد:

چوبک در سنگ صبور گرچه می‌خواهد یک رمان ذهنی نو بیافریند و حتی شیوه و شگردهای نوینی را به کار می‌گیرد، اما از آنجا که چهارچوب ذهنی خاص او و نوع درک و تلقی‌اش از ادبیات بیشتر در همان سطح نگرش ناتورالیستی باقی می‌ماند، این کوشش او در کل ناقص و ناموفق است (۱۳۶۳، ص. ۷۸).

حسن میرعبادینی در «صادق چوبک: نوشتن از اعماق مردم» می‌نویسد: «آنچه چوبک را در ترسیم تصاویری عینی از جنبه‌های مختلف پلشتی و پستی زندگی آدم‌های آثارش موفق می‌کند، بینش ناتورالیستی اوست. زیرا اصل عمده ناتورالیسم عین‌نمایی و هدف آن نیز ارائه تصویری زنده‌نما از واقعیت است» (۱۳۸۰، ص. ۵۲۰). حسن کامشاد در مطلبی با عنوان «درباره صادق چوبک» اظهار می‌دارد: «یکی دیگر از ویژگی‌های نویسندگی چوبک کاربرد ناتورالیسم بی‌حدومرزی است که در آن قطعات توصیفی، دقت و ظرافت تقریباً عکس‌واری به خود می‌گیرد» (۱۳۸۰، ص. ۵۱). علی‌اکبر کسمائی در نگاهی به صادق چوبک می‌نویسد: «شیوه نگارش او آمیزه‌ای از شیوه‌های رئالیسم و ناتورالیسم به نظر می‌آید و گاه در یک قطعه کوتاه، نویسنده‌ای سمبلیک می‌شود» (۱۳۸۰، ص. ۵۷). از جمال میرصادقی در *ادبیات داستانی و صادق چوبک* می‌خوانیم: «دید چوبک از مسائل، دیدی ناتورالیستی است و مثل تمام نویسندگان ناتورالیست، موضوع‌هایی را پیش می‌کشد که خوشایند همه نیست» (۱۳۸۰، ص. ۱۴۵) و اینکه چوبک مثل سایر هم‌کیشان خود به سخن گفتن از زشتی‌ها و ناپاکی‌ها عادت کرده است. در نگاه او «چوبک چنان به اصول ناتورالیسم مؤمن و وفادار است که می‌توان جزء جزء ویژگی‌های این مکتب را در داستان‌هایش یافت» (همان، صص. ۱۴۷-۱۴۸). عبدالعلی دستغیب در *داستان‌نویسی صادق چوبک* می‌نویسد: «ادراک اجتماعی چوبک و ناتورالیست‌هایی چون او ضعیف است» (۱۳۸۰، ص. ۴۱۵). فریدون فرخ هم در «دیدگاه نفس‌گرایانه صادق چوبک در بنای سنگ صبور» به «افسردگی و کمون روانی همراه با سرنوشت‌گرایی ناتورالیستی که بر سنگ صبور احاطه دارد» (۱۳۸۰، ص. ۱۴۲) اشاره می‌کند. برخلاف این گروه اکثریت، که یا چوبک را ناتورالیست

می‌پندارند و یا رگه‌هایی از ناتورالیسم را در آثار او می‌بینند، گروهی اندک نیز هستند که در این باره متفاوت می‌اندیشند. علی فردوسی در «جامعه‌شناسی خیر و شر در داستان‌های چوبک» چنین می‌گوید: «در سرزمین آفت‌زدگی زبان، در سرزمینی که بیشتر مردمانش، بیشتر وقت‌ها، بیشتر حرف‌های یکدیگر را نمی‌فهمند، در سرزمین «سوء تفاهم»‌های مستمر و تنهایی‌های اندوهناک تاریخی، صادق چوبک یکی از بدفهمیده‌شده‌ترین نویسندگان ایرانی است» (۱۳۸۰، ص. ۱۷۵).

به نظر او چوبک اعتقادی به «دوآلیسم طبیعت و معنا»، اولی حیوانی و دومی انسانی ندارد و در واکنش به این طرز تفکر اوست که: «ما لاهوتیان مضطرب او را طبیعت‌گرا می‌خوانیم، که در فرهنگ معنازده ما بیشتر نوعی اهانت است تا تعیین مکتب هنری یا نگرش فلسفی» (همان، ص. ۱۹۲). به عقیده فردوسی برای گریز از همین افشاگری چوبک از خود واقعی مان است که او را به «سطحی‌گرایی، پلیدی‌بینی، و بی‌اعتقادی به عالم پندار [...] سرزنش می‌کنیم و با واژه‌ای هر چند نو، "طبیعت‌گرا"، اما به عادت قدیمی تکفیر می‌کنیم» (همان، ص. ۱۹۲). انور خامه‌ای در «دنیای داستانی صادق چوبک» دلیل این را که چوب تکفیر بیش از هر نویسنده دیگری بر سر چوبک خورده است واقع‌نگری او می‌داند. او نیز بر این باور است که منتقدان آثار چوبک به فهم درستی از این نویسنده نرسیده‌اند: «بعضی او را ناتورالیست دانسته و نقایص و کاستی‌های ناتورالیست‌های غرب را به پای او نوشته و داستان‌هایش را بی‌ارزش پنداشته‌اند. برخی دیگر آثار او را تحلیل روانی و ذهنی تصور کرده و دور از واقع‌گرایی دانسته‌اند» (۱۳۸۰، ص. ۳۰۳).

محمدعلی سپانلو نیز در کتاب *نویسندگان پیشرو ایران در بخشی با عنوان «علوی و چوبک»* ضمن «رنالیست افراطی» خواندن چوبک، تنها منتقدی است که با اشاره به اصل مهم ناتورالیسم، انتساب او به این جریان ادبی را اشتباه می‌داند: «درباره سبک چوبک برخی از منتقدان اصرار دارند که آن را به "ناتورالیسم" منتسب کنند. لازم به توضیح است که ناتورالیسم گذشته از خشونت و گاه استهجان کلام، یک اصل اساسی دارد... آن مکتب به تأثیرات شدید ارثی و ژنتیک معتقد بود. مثلاً معتقد بودند که الکلیسم یا سفلیس در نسل‌های بعدی موجد جانیان بالفطره یا روسپی‌گری و سست‌عهدی و خیانت می‌شود» (۱۳۶۲، ص. ۱۰۶). سعدی جعفری نیز در پایان‌نامه دکتری خود، شباهت‌های میان این دو نویسنده را به دلیل داشتن تجربه‌ها و دغدغه‌های مشترک می‌داند: «هر دو نویسنده، در دوره‌ای از تاریخ کشورشان زیسته‌اند که با بیکاری، گرسنگی، فقر

و فساد همراه بود» (2010, p. 392). در مقاله‌ای با عنوان «تطبیق مؤلفه‌های ناتورالیسم با آثار صادق چوبک» می‌خوانیم: «ناتورالیسمی که در آثار چوبک مطرح است با آثار امیل زولا - مؤسس این مکتب - و حتی بسیاری از دیگر ناتورالیست‌ها دارای تفاوت‌های بسیاری است» (باویل و قملاقی، ۱۳۹۶، ص. ۱۱۹). با تأکید بر پای‌بندی چوبک به شیوه ناتورالیسم نتیجه تحقیق خود را چنین به پایان می‌رسانند: «اما با وجود تمام تشابهات [...] اینکه بخواهیم شیوه چوبک را [...] برگرفته از مکتب طبیعت‌گرایی بدانیم، شاید به بیراه رفته‌ایم» (تلخابی و محمدی، ۱۳۹۸، ص. ۹۲). نویسندگان مقاله «بررسی دیدگاه‌های ناتورالیستی زولا و چوبک» بر این باورند که «گرچه [...] نمی‌توان وی را در تمام آثارش نویسنده‌ای ناتورالیست قلمداد کرد، با وجود این، با ترسیم مستند رخدادهای زمانه خود و بزرگ‌نمایی زشتی‌های آن در برخی از آثارش به نویسنده‌ای ناتورالیست مبدل می‌شود» (فهم کلام و همکاران، ۱۳۹۰، ص. ۸۸). همان‌طور که مشاهده می‌شود اختلاف بین صاحب‌نظران چنان زیاد است که به راحتی نمی‌توان از کنار آن گذشت و خواننده در مواجهه با انبوه این نظرات نامتجانس و گاه متناقض، قادر به جمع‌بندی مشخصی از ویژگی‌های ادبی نویسنده و به خصوص دریافت دقیقی از ناتورالیسم نخواهد بود.

۳. چارچوب نظری

از آنجا که بنیان نظری این تحقیق، ناتورالیسم و اصول آن است، برای استخراج و ارائه تعریف دقیق و قابل‌اعتمادی از این مکتب، به *رمان تجربی* (۱۸۸۰) که به‌عنوان مانیفست ناتورالیسم در نظر گرفته می‌شود و توسط امیل زولا رمان‌نویس نیمه دوم قرن نوزده فرانسه و نظریه‌پرداز ناتورالیسم نگاشته شده است، استناد خواهیم کرد. البته زولا برای تشریح بیشتر نظرات خویش یک سال بعد (۱۸۸۱م) دو اثر دیگر را با عناوین *ناتورالیسم در تئاتر*^۱ و *نویسندگان ناتورالیست*^۲ به رشته تحریر در آورد که در ادامه، اشاره مختصری به محتوای این دو اثر خواهیم کرد تا نشان دهیم چرا بهتر است *رمان تجربی* به‌عنوان مانیفست ناتورالیسم مورد مذاقه و استناد قرار گیرد. در مطالعه سیر تحول ناتورالیسم، ارجاعاتی به آثاری دیگر از زولا و برادران گنکور^۳ نیز خواهیم داشت. به گمان ما تنها با محدود کردن خود به قرائت بیانیه فرانسوی ناتورالیسم و تبیین اصول

^۱ . *Le Naturalisme au théâtre*

^۲ . *Le Romanciers naturalistes*

^۳ . *Les frères Goncourt*

این مکتب با تکیه بر آن است که می‌توان به ملاک و معیاری متقن برای سنجش وجوه ناتورالیستی سایر آثار ادبی دست یافت.

۴. بحث و بررسی

۴-۱. ناتورالیسم چیست؟

نیمه دوم قرن نوزده فرانسه، شاهد پیشرفت‌های زیادی در علوم، به‌خصوص ژنتیک و پزشکی بود. یافته‌های جدید مبتنی بر روش‌های علمی، طبقه‌تحصیل‌کرده و روشنفکر را مجذوب خود کرده بودند. در دنیای دانش، بزرگانی چون آگوست کنت^۱، هیپولیت تن^۲، چارلز داروین^۳، پروسپر لوکا^۴ و کلود برنار^۵ حکمرانی می‌کردند و زولا نیز همچون بسیاری دیگر، متأثر از نظریه‌ها و دستاوردهای دانشمندان زمان خویش بود.

برخی دیباچه رمان ژرمنی لاسرتو (۱۸۶۵)^۶ از برادران گنکور را به‌عنوان اولین بیانیه ناتورالیسم در نظر می‌گیرند. نویسندگان اثر تحت تأثیر پیشرفت‌های علمی و تحولات اجتماعی نیمه دوم قرن و تغییرات بنیادین به‌وجود آمده در این عصر، دلیل نگارش این رمان را لزوم پرداختن به فرودستان برمی‌شمرند: «به‌دلیل زیستن در قرن ۱۹، در دوره به رسمیت شناختن جهانی حق رأی، دموکراسی، آزادی‌خواهی، ما از خود پرسیدیم که آیا کسانی را که طبقات فرودست می‌نامیم حق حضور در رمان را ندارند؟» (Goncourt, 1865, p. 6). آنان در ادامه به ویژگی‌های رمان اشاره و اضافه می‌کنند: «اکنون که رمان مطالعات و وظایف علم را برای خود برگزیده است، باید آزادی و صداقت علمی را نیز برای خود مطالبه کند و در جست‌وجوی هنر و حقیقت باشد» (Goncourt, 1865, p.7) در هر صورت به‌نظر می‌رسد این دیباچه سه صفحه‌ای فاقد ویژگی‌های لازم برای در نظر گرفته شدن به‌عنوان یک مانیفست ادبی است.

1 . Auguste Compte

2 . Hippolyte Taine

3 . Charles Darwin

4 . Prosper Lucas

5 . Claude Bernard

6 . Germinie Lacerteux

زولا ناتورالیسم را تحت تأثیر پنج منبع الهام‌بخش عصر خویش بنیان می‌گذارد: ۱. پوزیتیویسم اگوست کنت^۱؛ ۲. رساله‌های انتقادی هیپولیت تن^۲؛ ۳. نظریه تکامل چارلز داروین^۳؛ ۴. رساله وراثت دکتر پروسپر لوکا^۴؛ ۵. مقدمه‌ای بر طب تجربی کلود برنار^۵. او در سال ۱۸۶۸ در دیباچه ۱۱ صفحه‌ای رمان ترز رکن^۶ اذعان می‌دارد که چون اثرش مورد کج‌فهمی‌های برخی از منتقدان قرار گرفته است، خود را ناگزیر از نوشتن این دیباچه برای اجتناب از هر گونه سوء تفاهم‌های احتمالی در آینده می‌بیند. او می‌نویسد: «قصدمن به تصویر کشیدن امیال بود نه شخصیت‌ها» (Zola, 1868, p.5). و توضیح می‌دهد که ترز^۷ و لوران^۸ شخصیت‌های اصلی داستان، تمامی اعمال خود را در زندگی، بنابر جبر تمایلات جسمانی خویش انجام می‌دهند. در ادامه اضافه می‌کند: «برای شروع، امیدوارم درک شود که هدف من قبل از هر چیزی هدفی علمی بوده است» (Zola, 1868, p.6). سپس به رمزگشایی از اثر خود می‌پردازد و جنبه علمی آن را آشکار می‌سازد:

اگر رمان را با دقت بخوانیم، متوجه خواهیم شد که هر فصل آن بررسی یک مورد عجیب فیزیولوژی^۹ است. در یک کلمه، من یک خواسته بیشتر نداشتم: با توجه به خلق یک مرد مقتدر و یک زن ناراضی، در جست‌وجوی بعد حیوانی آن‌ها بودم، و می‌خواستم فقط این بُعد از آنان را ببینم، آن‌ها را به درون ماجرای هولناک پرت و احساسات و اعمالشان را با دقت ثبت کنم. کار تحلیلی را که جراحان روی جنازه‌ها انجام می‌دهند من روی دو جسم زنده انجام دادم (Zola, 1868, pp. 6-7).

1. Positivisme de Auguste Comte

2. Essais critiques de Hippolyte Taine

3. Théorie de l'évolution dans L'Origine des espèces de Charles Darwin

4. Traité Philosophique et Physiologique de L'HÉRÉDITÉ NATURELLE...de Prosper Lucas

5. Introduction à étude de la médecine expérimentale de Claude Bernard.

6. Thérèse Raquin

7. Thérèse

8. Laurent

۹. Physiologie: کار اندام‌شناسی یا تن‌کردشناسی دانش عملکرد سامانه‌های زنده است و یکی از شاخه‌های

زیست‌شناسی است که به مطالعه اعمال حیاتی موجود زنده می‌پردازد. این دانش همین‌طور تکامل و توسعه این اعمال در یک گونه و همچنین تغییرات و تطابق آن‌ها با شرایط محیطی متغیر را مورد مطالعه قرار می‌دهد.

سال‌ها بعد زولا در اثری به نام *رمان تجربی* به تعریف دقیق و مشروح مکتب خویش و توضیح اصول آن می‌پردازد. قبل از پرداختن به کتاب مذکور که در این تحقیق به‌عنوان متن معیار گزیده شده است، اشاره‌ای کنیم به دو اثر نظری دیگر که زولا یک سال پس از مانیفست *ناتورالیسم* آن‌ها را به چاپ رساند. در *ناتورالیسم در تئاتر*، زولا بیشتر به بررسی نقادانه عناصر تئاتر و انواع نمایشی به‌خصوص تراژدی و درام رمانتیک می‌پردازد. او بر این گمان است که هر دوره‌ای با مقتضیات زمان خود پیش می‌رود و اقتضای آن عصر به پایان رسیدن رونق انواع مرسوم نمایشی و آغاز دوره‌گونه نمایشی جدید یعنی درام *ناتورالیست* است:

نگرانی همیشگی من، انتظار آمیخته با اضطراب من، این است که از خود بپرسم کدام یک از ما توان برخاستن در قامت یک نابغه را داریم. اگر درام *ناتورالیست* باید به‌وجود بیاید، تنها یک نابغه می‌تواند این کار را انجام دهد. گرنی و راسین تراژدی را ساخته‌اند. ویکتور هوگو درام رمانتیک را. منتظر ظهور نویسنده ناشناسی هستم که باید درام *ناتورالیست* را خلق کند (Zola, 1881, p. 13).

درواقع زولا در نقش پیشگوی زمان خود خبر از تولد یک نوع ادبی جدید می‌دهد که تحت تأثیر پیشرفت‌های علمی آن عصر پا به عرصه حیات خواهد گذاشت. زولا در مقدمه سومین و آخرین اثر نظری خویش *نویسندگان ناتورالیست* دلیل نگارش این اثر را: «ارائه تاریخیچه رمان *ناتورالیست* از طریق بررسی آثار نویسندگانی که فرمول آن را به تدریج عرضه و تکمیل نموده‌اند» (ibid, p.10) ذکر می‌کند. او با قرار دادن نام بالزاک، استاندال، فلوبر، برادران گنکور و آلفونس دوده در فهرست خویش، در تلاش است تا یادآور شود که رمان *ناتورالیست* محصول اجتناب‌ناپذیر قرن ۱۹ است و پیش از او نیز، به اشکالی دیگر وجود داشته است.

۲-۴. *رمان تجربی*

این اثر ۵۳ صفحه‌ای در سال ۱۸۸۰ منتشر می‌شود. او در نگارش *رمان تجربی* بنا بر اعتراف خودش بسیار تحت تأثیر کتاب *مقدمه‌ای بر طب تجربی* اثر کلود برنار است و درباره میزان تأثیرپذیری‌اش از این کتاب برای نوشتن *رمان تجربی* می‌نویسد: «اغلب اوقات فقط کافی بود که کلمه "پزشک" را با "رمان‌نویس" جایگزین کند» (ibid, p.2). زولا در این اثر، *رمان تجربی* را نتیجه تحول علمی عصر خود می‌داند که ادامه‌دهنده و تکمیل‌کننده فیزیولوژی است که خود بر

شیمی و فیزیک تکیه می‌کند. بدین ترتیب در مطالعات علمی و ادبی «انسان طبیعی جایگزین انسان ذهنی، انسان متافیزیکی می‌شود» (ibid, p.22). انسانی که تابع قوانین فیزیکی - شیمیایی است، از محیط خود تأثیر می‌پذیرد و به آن واکنش نشان می‌دهد. او بر این باور است که شرایط روحی انسان، از طریق دریافت‌های حواس پنج‌گانه، تابعی از وضعیت جسمانی اوست. به نظر زولا، جامعه همچون بدن انسان از اعضای مختلفی تشکیل شده که این اعضا به دلیل وجود نوعی هم‌بستگی به هم پیوند می‌خورند، به گونه‌ای که از کار افتادن یک عضو سبب ایجاد مشکل برای سایر اعضا خواهد شد و به همین سبب بیماری بسیار پیچیده‌ای بروز خواهد کرد. در نتیجه، تشخیص سریع بیماری یک عضو (یک فرد) و درمان یا حتی کنترل آن می‌تواند از تسری بیماری به سایر اعضا (خانواده و جامعه) جلوگیری کند. او در ادامه در توضیح نظرات خود با مقایسه مجدد پزشکی و ادبیات چنین می‌گوید: «اگر زمینه کار پزشک تجربی، بررسی بدن انسان در رویکردهای اندام‌های او در شرایط عادی و آسیب‌دیده است، زمینه کار ما مطالعه بدن انسان در رویکردهای مربوط به مغز و امیال او در وضعیت‌های سلامت و بیماری می‌باشد» (ibid, p.30). در بخش بعدی به تعریف متد تجربی از منظر زولا خواهیم پرداخت.

۳-۴. متد تجربی

پیدایش و رواج متد تجربی نتیجه سیر طبیعی اتفاقات در قرن ۱۹ است. قرنی که بشر به مدد پیشرفت‌های علمی، از طریق روش «مشاهده» و «آزمایش»، به دستاوردهای متعددی نائل آمد و این یافته‌ها چنان چشمگیر بود که تمامی ابعاد زندگی او را تحت تأثیر قرار داد و او را به تحسین و ستایش واداشت. زولا در مورد تعمیم روش تجربی به حیطه ادبیات می‌نویسد: «اگر روش تجربی توانست از شیمی و فیزیک به فیزیولوژی و پزشکی راه یابد، پس می‌تواند از فیزیولوژی به رمان ناتورالیستی نیز وارد شود» (ibid, pp. 13-14). به همین دلیل زولا در این مورد نیز با استناد به نقل قولی از کلود برنار متد تجربی را به ترتیب بر سه اصل استوار می‌داند: احساس، عقل، تجربه:

در جست‌وجوی حقیقت، به مدد متد تجربی، احساس همیشه ابتکار عمل را به دست گرفته و پیشاپیش منجر به تولید یک ایده یا شهود می‌شود؛ سپس خرد یا خردورزی این ایده را بسط می‌دهد و منجر به ایجاد نتایجی می‌گردد. اما اگر احساس باید به وسیله روشنایی خرد

مورد بررسی قرار بگیرد، خرد نیز به نوبه خود باید توسط تجربه هدایت شود (ibid, p.32).

درواقع احساس و عقل مبتنی بر مشاهده، مفهومی را ایجاد می‌کنند که از طریق تجربه مورد راستی‌آزمایی قرار می‌گیرد و این همان روش تجربی است. زولا براساس دریافت خود از جامعه، فرضیه‌ای می‌سازد و به مدد خرد خود درباره آن نظریه پردازی می‌کند و سپس با ایجاد یک محیط آزمایشگاهی به کشت نظریه خود مبادرت می‌ورزد. بدین صورت با نگاه زولا، ما به تعریف جدیدی از رمان‌نویس دست می‌یابیم.

۴-۴. رمان‌نویس کیست؟

نقش رمان‌نویس دست‌برداشتن از خیال‌پردازی و خلق داستان براساس مستندات است. او با انجام تحقیقات متعدد و دقیق سعی می‌کند که تصویری واقعی از جامعه ارائه دهد. هر تحقیق به یک مورد مشخص می‌پردازد. زولا نویسنده را به جراحی تشبیه می‌کند که به کالبدشکافی انسان‌های زنده در آثارش می‌پردازد. در نگاه او نویسنده رمان ترکیبی است از «نظاره‌گر» و «تجربه‌گر». برای اینکه بتواند تعریفی از نظاره‌گر و تجربه‌گر به دست دهد به قیاسی بین منجم و شیمیدان توسط کلود برنار اشاره می‌کند: «نجوم علم نظاره است، چراکه منجم نمی‌تواند دخالتی در کار ستارگان داشته باشد، شیمی علم تجربه‌گری است چراکه شیمی‌دان بر مواد تأثیر می‌گذارد و آن‌ها را تغییر می‌دهد» (ibid, p.5). نظاره‌گر رخدادها را همان‌طور که دیده ثبت و داستان را آغاز می‌کند، سپس تجربه‌گر ظاهر می‌شود و برای اثبات اینکه حوادث مطابق با جبر پیش‌بینی شده اتفاق می‌افتند شخصیت را در داستان خاصی قرار می‌دهد. زولا بر این باور است که در علم طب، پزشک «ارباب بیماری‌ها» شده و آن‌ها را تحت کنترل خود درآورده است و این رؤیای محقق‌شده، باید در ادبیات نیز اتفاق بیفتد: «رؤیای فیزیولوژیست و پزشک، رؤیای رمان‌نویسی نیز هست که در مطالعه طبیعی و اجتماعی انسان، روش تجربی را به کار می‌بندد» (ibid, p.23). زولا، ۱۸۸۰، ص. ۲۳). هدف ناتورالیست‌ها تبدیل شدن به ارباب پدیده‌های ناشی از عناصر ذهنی و جسمی به منظور مدیریت آن‌هاست. زولا نویسندگان ناتورالیست را «اخلاق‌گرایان تجربی» می‌نامد که از طریق آزمایش نشان می‌دهند که یک میل شدید به چه شیوه‌ای در یک محیط اجتماعی عمل می‌کند، چراکه «زمانی که به مکانیسم این عملکرد پی ببرند قادر به مهار و

کاستن آسیب‌های آن خواهند بود و فایده عملی و نکته والای اخلاقی ناتورالیسم در همین موضوع نهفته است» (1880, p. 24).

۴-۵. جبرگرایی، اصل اساسی ناتورالیسم

اصل اساسی ناتورالیسم زولایی جبرگرایی است. به نظر کلود برنار ذهن انسان همچون جسم او دارای خواص فیزیکی - شیمیایی است و جبری بر شرایط وجودی حالات روحی در انسان حاکم است. این جبر، همان علت و شرط بروز پدیده‌هاست. زولا با تکیه بر این نظر چنین توضیح می‌دهد: «هدف روش تجربی و در واقع غایت هر تحقیق علمی، یافتن روابطی است که یک پدیده را به علت حادث شدن آن در آینده پیوند می‌دهد و به عبارتی دیگر، تعیین شرایط لازم برای ظهور آن رخداد است» (1880, p. 3). وی به وجود دو جبر اعتقاد دارد: جبر وراثت و جبر محیط که این دو را با دقت در مجموعه روگون ماکار بررسی می‌کند:

او در فصل پنجم رمان دکتر پاسکال شجره‌نامه این خانواده را معرفی می‌کند که همگی از نسل خانمی به نام دید^۱ هستند که به خاطر ابتلا به جنون، بستری شده بود. سایه این نقص روانی بر تمایلات تمامی فرزندان این خانواده سنگینی می‌کند و محیط‌های متفاوتی که هر یک از اعضای این خانواده در آن قرار می‌گیرند، تعیین‌کننده احساسات، امیال، هیجانات و هر گونه تظاهرات انسانی، طبیعی و غریزی است که نتایج آن‌ها می‌تواند به‌عنوان محاسن یا معایب شخصیتی در نظر گرفته شوند (Lagarde & Michard, 1985, p. 484).

امیل زولا در بخش دیگری از رمان تجربی به شبهه‌ای که نویسندگان ناتورالیست به‌خاطرش بارها مورد «سرزنش» قرار گرفته‌اند، پاسخ می‌دهد: «... از زمانی که ما صاحب اختیار بودن انسان را نپذیرفتیم و او را به ماشینی حیوانی تشبیه کردیم که تحت تأثیر وراثت و محیط خود رفتار می‌کند، متهم شدیم به باور به حتمیت و تقلیل انسان‌ها به سطح گله‌ای از حیوانات که با چوبدستی سرنوشت انتخاب مسیر می‌کنند. نکته در همین جاست: ما حتم‌گرا نیستیم، جبرگراییم» (1880, p. 28). وی در ادامه به بیان تفاوت میان این دو از دیدگاه کلود برنار می‌پردازد: «حتم‌گرایی^۲ یعنی باور به بروز اجتناب‌ناپذیر یک رخداد، مستقل از شرایط بروزش. در حالی که جبرگرایی یا

^۱ . Dide

^۲ . Fatalisme

تعیین‌گرایی^۱ به معنای شرط لازم برای بروز یک رخداد است که الزاماً منجر به بروز نمی‌شود» (1880, p.28). در واقع در جبرگرایی، کنش‌های انسان براساس رابطهٔ علت و معلول است و هدف ناتورالیسم تعیین علت‌هاست برای پیش‌گیری از معلول‌ها یا تعدیل آن‌ها. پس رخدادهای آینده، قابل پیش‌بینی و کنترل هستند و این باور در تناقض با اندیشهٔ حتم‌گرایی است که براساس آن اتفاقات از قبل تعیین شده‌اند و راه‌گزینی از آن‌ها وجود ندارد. او وظیفهٔ ناتورالیسم را تعیین علل رخدادهای اجتماعی می‌داند و ابراز امیدواری می‌کند که «قانون‌گزاران و دولت‌مردان با توجه به این دلایل، در جهت توسعهٔ خوبی‌ها و کاهش بدی‌ها گام بردارند» (1880, p. 29).

۴-۶. روش کار زولا

او براساس روش علوم تجربی و به‌عنوان یک مشاهده‌گر موضوعی را در بوتۀ آزمایش قرار می‌دهد. برای مثال، اعتیاد به الکل را انتخاب و براساس آن فرضیه‌ای را آماده می‌کند: اعتیاد به الکل یا ارثی است یا ناشی از محیط. برای اثبات این فرضیه، رمان‌نویس با مداخله در داستان، شخصیت‌ها را در شرایط و مسیری قرار می‌دهد که امیال خفته و غریزی‌شان برانگیخته شوند. واکنش آن‌ها در این حالت برانگیختگی در روی آوردن به الکل و یا دوری جستن از آن فرضیهٔ آغازین را اثبات و یا رد می‌کند. بدین‌سان فرضیه‌ها آزموده خواهند شد و با این روش می‌توان به شناختی علمی از انسان دست یافت. زولا برای اثبات نظریهٔ خود، در یک دوره حدوداً ۲۳ ساله (۱۸۷۱-۱۸۹۳)، مجموعه‌ای از بیست رمان را به رشتهٔ تحریر درمی‌آورد. تقریباً در هر رمان یک شخصیت مورد آزمایش قرار می‌گیرد و نتیجهٔ تأثیرات محرک‌های محیطی بر بروز ویژگی‌های شخصیتی ارثی بررسی می‌شود.

۴-۷. روش کار چوبک

یافتن روش کار مشخصی نزد چوبک واقعاً دشوار است. او به‌عنوان ناظری دقیق به ثبت وقایع بیرونی و درونی شخصیت‌ها می‌پردازد، نگاهش گاهی از یک منظر عکس‌برداری می‌کند و گاهی هم تصاویر متحرکی را از هر آنچه در اطراف هست به نمایش می‌گذارد و گاهی هم به درون شخصیت‌ها نفوذ می‌کند. چون منطق و وحدت خاصی در آثارش دیده نمی‌شود، گفتن اینکه او

^۱ . déterminisme

در نویسندگی شیوه‌ای خاص را دنبال می‌کند کارچندان آسانی نیست. میان حدود سی داستان کوتاه و دو نمایشنامه و دو رمان، اگر دو ترجمه‌اش را هم در این محاسبه لحاظ نکنیم، نه تنها به وحدت روشی بر نمی‌خوریم، بلکه بیشتر به نوعی پراکندگی یا تنوع یا تفاوت در روش خواهیم رسید. به‌راستی که میان یک داستان کوتاه یک صفحه‌ای (یحیی) و یک رمان چندصد صفحه‌ای (سنگ صبور)، داستان کوتاه خیالی (پریزاد و پریمان)، رمان تاریخی (تنگسیر) و رمان ذهنی (سنگ صبور)، روایت براساس تک‌گویی درونی‌های متعدد و حذف دیالوگ (سنگ صبور)، روایت با حضور راوی و براساس دیالوگ (تنگسیر) وجه تشابهی جز دغدغه‌بازنمایی واقعیت‌های جامعه براساس دریافت نویسنده، آن هم به اشکال مختلف وجود ندارد. بنیاد مضمونی داستان‌های چوبک و همین‌طور شخصیت‌های او نیز تفاوت‌های اساسی با آنچه که نزد زولا می‌بینیم دارند که در ادامه به آن‌ها خواهیم پرداخت.

۸-۴. مضامین ناتورالیسم زولا

همان‌طور که ذکر شد روش کار زولا به پیروی از شیوه مرسوم در علوم تجربی، مشاهده و آزمایش است و مضامین مورد مطالعه در این روش براساس جبرهای وراثت و محیط تعیین می‌شوند. بدین ترتیب، تأثیر جبر وراثت به‌عنوان پیش‌فرض ثابت موجود در همه شخصیت‌هایش با تزریق یک یا چند دوز از محرک‌های محیطی به آن‌ها مشخص می‌شود. مضامین اصلی آثار زولا عبارت‌اند از: الکلیسم، فقر، جنون، تن‌فروشی، خیانت، خوی حیوانی انسان، میل به قتل، پول، غذا، اصلاحات، رویارویی اغنیا و فقرا، نیروهای پنهان دنیا و تاریخ، ماشین، عشق، رقابت عشقی و درگیری سیاسی. در این فهرست، برخی از صفات ارثی که زولا در آثارش به آن‌ها پرداخته است عبارت‌اند از: الکلیسم، جنون، تن‌فروشی، خیانت... و برخی از محرک‌های محیطی فقر، پول، غذا، رویارویی اغنیا و فقرا هستند. به نظر زولا، تنها آثار درخور و اخلاقی آن‌هایی هستند که حقیقت را می‌گویند.

۹-۴. مضامین چوبک

همان‌طور که گفته شد جبر وراثت و جبر محیط به‌عنوان بن‌مایه مضمونی ناتورالیسم زولا، در آثار چوبک موضوعیت ندارند. اما در عین حال به‌دلیل وجود دغدغه‌ای مشترک، یعنی به تصویر کشیدن زندگی محرومان، مضامین مشترکی میان دو نویسنده به چشم می‌خورند. از میان مضامین

اصلی آثار چوبک می‌توان به جنایت، تن‌فروشی، خیانت، تجاوز، مرگ و ترس از مرگ، فقدان والدین، گرسنگی، نداشتن سرپناه، غریزه جنسی، سرقت، تنهایی، خرافه و تعصب، ... اشاره کرد. در مورد الکلیسم، ماشین، عشق، رقابت عشقی و درگیری سیاسی که تقریباً در آثار چوبک دیده نمی‌شوند باید توضیح داد که اعتیاد به الکل ظاهراً مشکل طبقه کارگر ایرانی نبوده است، برخلاف فرانسه عصر زولا، ایران وارد عصر انقلاب صنعتی نشده و به همین دلیل اهمیت نقش ماشین در زندگی را تجربه نکرده بود. در جامعه سنتی و بسته ایران، تمایل به جنس مخالف بیشتر براساس یک نیاز غریزی بود و نه دلدادگی. به جز تنگسیر که روایت انتقام یک تن از نمایندگان قدرت در شهر است، هیچ مواجهه جدی میان توده‌های مردم و حکومت، شبیه آنچه که در ژرمنیال دیده می‌شود رخ نمی‌دهد. در تحرک پنهانی جواد در چراغ آخر، و آزادی تصادفی شخصیت اصلی در انتری که لوطیش مرده بود در حالی که زنجیر اسارتش را با خود حمل می‌کند و در نهایت با بازگشت به نزد جنازه لوطی تبدیل به تلاشی نافرجام می‌شود، عمل قهرمانانه‌ای رخ نمی‌دهد. مضامین چوبک بومی این سرزمین هستند و برخاسته از مشکلات این جامعه و جماعتی که با باورها و کنش‌های خاص خود در آن زندگی می‌کنند.

۴-۱۰. شخصیت‌های زولا

زولا در سیکل داستانی عظیم خود به بررسی بیست شخصیت بزرگسال شامل دوازده مرد و هشت زن می‌پردازد که با یکدیگر نسبت فامیلی دارند. هر رمان اختصاص به بررسی یک شخصیت دارد (به جز در *La Curée* که سه شخصیت و در *L'Argent* که دو شخصیت اصلی وجود دارند). با اینکه شخصیت‌ها به طبقات اجتماعی متفاوت تعلق دارند، اما به سبب داشتن قرابت خویشاوندی دارای تمایلات یکسان هستند: پول، نفرت، حسادت، سست‌عنصری. آدلاید با روگون ازدواج می‌کند و این دو، صاحب فرزندی به نام پیر «Pierre» می‌شوند. آدلاید پس از مرگ شوهرش روگون، با ماکار زندگی می‌کند و از او صاحب دو فرزند به نام‌های «Antoine» و اورسول «Ursule» می‌شود. بدین ترتیب، خانواده به دوشاخه روگون (Rougon) از همسر اول و ماکار (Macquart) از همسر دوم تقسیم می‌شود. آدلاید و دو همسرش نسل اول، فرزندان آن‌ها نسل دوم، نوه‌های آن‌ها نسل سوم و نتیجه‌هایشان نسل چهارم شخصیت‌های زولا را تشکیل می‌دهند. فقط نوه‌های اورسول در این تحقیق حضور ندارند.

۱۱-۴. شخصیت‌های چوبک

برخلاف زولا، شخصیت‌های دنیای داستانی چوبک نه با یکدیگر نسبتی دارند، نه اطلاعات چندانی از کودکی و یا خانواده آن‌ها داده می‌شود، نه شاهد بازگشت آن‌ها در داستان‌های دیگر هستیم، و نه اصولاً همگی انسان هستند. او خالق حدود بیست شخصیت اصلی بزرگسال، یازده شخصیت حیوان (عدل، اسائه ادب، قفس، انتری که لوطی‌اش مرده بود، پاچه خیزک، همراه، آتما سگ من، پریزاد و پریمان، بچه گربه‌ای که چشمانش هنوز باز نشده بود، مردی در قفس، یک شب بی‌خوابی)، نه شخصیت نوجوان، کودک و نوزاد (بعد از ظهر آخر پائیز، یحیی، چشم شیشه‌ای، عروسک فروشی، دزد قالپاق، سنگ صبور، عمرکشون، گورکن، چرا دریا طوفانی شده بود؟) است. این تنوع شخصیت‌ها، وجود هرگونه طرح مشخص و از پیش تعیین شده‌ای در ذهن نویسنده را برای دستیابی به هدفی شبیه به آنچه که زولا در پی آن بوده نفی می‌کند.

۱۲-۴. سبک زولا

زولا قبل از هر چیز بر تمایز میان متد و سبک تأکید می‌کند و متذکر می‌شود که: «ناتورالیسم کاربست متد تجربی یعنی مشاهده و آزمایش است بر ادبیات، و سبک به دنبال آن به صورت شیوه‌های بیانی بر حسب طبع ادبی نویسندگان بروز می‌کند» (1880, p. 46). او چندان به تصنع و تکلف در کلام اعتقاد ندارد و می‌گوید: «آن که بهتر از همه می‌نویسد، کسی نیست که در میان فرضیه‌ها ناآگاهانه چهارنعل می‌تازد، بلکه کسی است که با سری برافراشته در میان حقایق قدم می‌زند» (ibid, p. 47). زولا به دنبال زبانی است تا بازتابی واقعی‌تر و دقیق‌تر از واقعیت باشد، زبانی که خاستگاه اجتماعی شخصیت‌ها را نیز معرفی کند. تعداد قابل توجهی از شخصیت‌های زولا افرادی از طبقات فرودست جامعه هستند و این استفاده از زبان عامیانه را توجیه می‌کند. زبان داستانی زولا در روایت، زبانی ادبی است که نشانه‌های اندکی از زبان گفتاری را نیز در خود دارد، اما گفت‌وگوهای میان شخصیت‌ها دارای نشانه‌های بیشتری از این سطح زبانی است که شامل «استفاده وسیع از اصوات، کلمات و ترکیبات خودمانی، تکرار کلمات، عبارات و جملات، حذف برخی تکواژها، و تغییرات نوشتاری براساس تلفظ می‌باشند» (جعفری، ۱۳۸۸، ص. ۱۲۷).

۱۳-۴. سبک چوبک

ضمن اینکه چوبک در روایت سطوح مختلف زبانی را عرضه و نثر او گاهی از زبان ادبی به سوی زبان گفتاری میل پیدا می‌کند، در گفت‌وگوها و در تک‌گویی‌های درونی، فاصله میان زبان گفتاری و نوشتاری به صفر نزدیک می‌شود. او نه تنها از واژگان، امثال و تعبیرات و ساختارهای دستوری زبان گفتاری استفاده می‌کند، بلکه متن را نیز براساس تلفظ می‌نویسد. شخصیت‌های چوبک هر یک زبان خاص خودشان را دارند. آن‌ها دارای سن، شغل، سطح سواد مختلف و خاستگاه جغرافیایی مختلف هستند. نقطه اوج این کاربردهای زبانی در رمان سنگ صبور مشاهده می‌شود، آنجا که خجسته مادر گوهر، حاج اسماعیل شوهر گوهر، سه هووی گوهر، کاکل زری پسر پنج ساله گوهر، پسر و دختر نوجوان همسایه، احمدآقا معلم جوان همسایه گوهر، جهان سلطان پیرزن ندیمه گوهر، بلقیس زن جوان همسایه گوهر، شیخ محمود روحانی محل و معتمد گوهر، سیف‌القلم قاتل گوهر و البته برخی شخصیت‌های فرعی دیگر هر یک با زبان خاص خود و متفاوت از دیگری سخن می‌گویند. چوبک در سنگ صبور از زبان احمدآقا شخصیت اصلی داستان به پرسش منتقدان خود درباره چرایی استفاده از زبان عامیانه پاسخ می‌دهد. به عقیده او سخن گفتن از چیزی که انجام می‌دهیم نکوهیده و ناپسند نیست. برای صحبت از واقعیت باید زبانی واقعی و قابل فهم را به کار برد. بیشتر مطالعات انجام شده درباره چوبک مربوط به مضامین و شخصیت‌های او هستند و در مورد سبک او یا سکوت اختیار شده و یا به کلی‌گویی بسنده شده است و با این حال در میان منتقدان در یک مورد اتفاق نظر وجود دارد و آن هم استفاده چوبک از زبان گفتاری است. نظر یژری اسوالد استاد دانشگاه چارلز پراگ در مورد جایگاه زبان عامیانه نزد زبان‌شناسان جالب است: «به جز چند بررسی حاشیه‌ای [...] زبان‌شناسی ایران رغبت خاصی به پژوهش در زمینه فارسی عامیانه نشان نداده است» (۱۳۸۰، ص. ۱۵۱). شاید مهم‌ترین دلیل فقدان تحقیقات دانشگاهی در زمینه کاربرد زبان عامیانه توسط چوبک همین موضوع باشد: «البته نویسندگان و منتقدان ایرانی به صادق چوبک توجه دارند، ولی آنچه که درباره زبان او می‌نویسند، بسیار مختصر و اغلب با دیدی انتقادی به زبان عامیانه در ادبیات است» (اسوالد، ۱۳۸۰، صص. ۱۵۱-۱۵۲). به نظر او «در نثر کنونی فارسی هنوز هیچ گونه بررسی‌ای که به توصیف کارکرد سبکی زبان غیر نوشتاری بپردازد، وجود ندارد» (۱۳۸۰، ص. ۱۵۲). او عقیده دارد که

زبان‌شناسان و نویسندگان ایرانی به دلیل به رسمیت نشناختن زبان عامیانه به‌عنوان زبان مورد استفاده در ادبیات داستانی مکتوب، رغبت خاصی برای انجام پژوهش‌هایی به منظور شناخت کارکردهای مختلف این زبان نشان نداده‌اند. در صورتی که زبان‌شناسان اروپایی از انجام این تحقیقات دربارهٔ زبان عامیانه غافل نبوده‌اند. به‌عنوان ویژگی‌های زبان گفتاری به‌کار رفته در داستان‌های چوبک می‌توان از «قافیه، واج‌آرایی، تکرار، تکراری، جابه‌جایی واج‌ها، تغییرات نوشتاری براساس تلفظ، ادغام تکواژها، حشو، ساختارهای نحوی زبان گفتاری و محلی، واژگان محلی، امثال و تعبيرات، دشنام‌ها و نفرین‌ها نام برد» (جعفری، ۱۳۸۸، صص. ۳۱۹-۳۲۰).

شاید در نگاه اول زبان داستانی چوبک به‌خصوص در گفت‌وگوها یا تک‌گویی‌های درونی توجه چندانی را به خود جلب نکند، اما با کمی دقت خوانندهٔ خود را در مقابل ترکیبی زبردستانه از عناصر و آرایه‌های زبانی می‌بیند و از این ابداع هنرمندانه مشعوف می‌شود:

چوبک با الهام از ادبیات قدیم ایران، آنجا که شعر و نثر آهنگین از جایگاهی ممتاز برخوردار بودند، زبانی را پی‌ریزی می‌نماید که آمیزه‌ای از این میراث کهن و زبان گفتاری می‌باشد. او از سویی نظم و از سویی دیگر نثر گفتاری یا به عبارتی والاترین و پست‌ترین سطوح زبانی را در هم می‌آمیزد و آمیزه‌ای ابداع می‌کند که تا آن زمان در ادبیات داستانی ما بی‌سابقه بود (جعفری، ۱۳۹۲، ص. ۱۱۹).

سبک چوبک از ابعاد مختلف غنی و قابل بررسی است و عنصر تکرار تنها یکی از ابعاد آن را تشکیل می‌دهد.

۵. نتیجه‌گیری

چوبک مانند بسیاری از نویسندگان و هنرمندان قطعاً تحت تأثیر جریان‌های اندیشه‌ساز عصر خویش بود و در آثارش نشانه‌هایی از این تأثیرات را از خود به جای گذاشته است. همان‌طور که امیل زولا در عصر شکوفایی‌های پی در پی علوم تجربی گمان می‌کرد که ادبیات نیز برای دستیابی به واقعیت باید روش علمی را به کار ببندد. درمورد چوبک باید گفت که در آثار این نویسنده، بیشتر شخصیت‌ها متعلق به طبقات محروم جامعه هستند به همین دلیل موضوعاتی همچون فقر و فساد بسیار به چشم می‌خورند و بنابر دغدغهٔ باورپذیرتر بودن، شخصیت‌ها به زبان خودشان سخن می‌گویند، و این بدان معناست که زبان گفتاری با همهٔ تفاوت‌هایی که با زبان

مرسوم نوشتاری دارد توسط این نویسنده ایرانی، مورد استفاده قرار می‌گیرد. بدیهی است که منتقدان هنگام نقد یک اثر ادبی، برای قابل فهم کردن نظرات خود، ناگزیر از استفاده از واژگان تخصصی مرتبط با زمینه‌های نقد مورد نظر هستند، اما مشکل این‌جاست که هر یک از این واژه‌ها در واقع از دلالت معنایی مشخصی برخوردارند که باید هنگام نقد بدان توجه و اشاره کرد. نگاهی آسیب‌شناسانه به بیشتر نقدهای انجام‌شده درباره صادق چوبک نشان می‌دهد که به رغم استفاده وسیع منتقدان از واژه ناتورالیسم در تحلیل آثار او، تعریف واحدی از این مکتب ادبی با استناد به یک منبع موثق ارائه نشده است و گویی فرض بر این بوده که این واژه آنقدر صراحت معنایی دارد که نیازی به بازتعریف آن نیست، در حالی که با رجوع به بیانیه ناتورالیسم اثر بنیان‌گذار فرانسوی این مکتب به تفاوت‌های آشکاری میان برداشت رایج و تعریف دقیق آن بر می‌خوریم. مضامین چوبک نیز کاملاً بومی هستند و برخاسته از جامعه معاصر نویسنده. با توجه به بررسی و مقایسه‌های انجام شده و دلایلی که از آن سخن به میان رفت، به عقیده ما صادق چوبک در چارچوب یک مکتب ادبی خاص نمی‌گنجد، پروژه مشخصی را بسازد زولا دنبال نمی‌کند، نشانه‌ای متقن از تقلید از یک مکتب ادبی در او دیده نمی‌شود و اما تأثیرپذیری به‌طور قطع اجتناب‌ناپذیر است. بخش زیادی از شباهت‌هایی که میان چوبک و زولا دیده می‌شوند، نتیجه زیست در دو دوره زمانی متفاوت اما با ویژگی‌های یکسان است. داشتن دغدغه‌های مشترک یعنی دفاع از طبقات فرودست و اعتراض به بی‌عدالتی‌های اجتماعی، فقر و فساد عمومی و گسترده نزد دو نویسنده نیز قابل ذکر هستند.

منابع

- تلخابی، م.، و محمدی، م. (۱۳۹۸). بررسی داستان‌های کوتاه *اسب چوبی و آتما سگ من* از دیدگاه مکتب ناتورالیسم. *علوم ادبی*، ۱۵، ۷۱-۹۵.
- جعفری کاردگر، س. (۱۳۹۲). تکرار در زبان داستانی صادق چوبک، *فصلنامه تخصصی زبان و ادبیات فارسی*، ۳۹، ۹۴-۱۲۰.
- حیدری، م.، قرائی، ش. (۱۳۹۸). تحلیل نقش رئالیسم در جامعه ادبی ایران و فرانسه: مطالعه تطبیقی رمان‌های «دهقانان» بالزاک و «نفرین زمین» جلال آل احمد. *پژوهش‌های زبان و ترجمه فرانسه*، ۲، ۱-۱۹.

- خامه‌ای، ا. (۱۳۸۰). داستان‌نویسی صادق چوبک. دهباشی، ع. یاد صادق چوبک. تهران: نشر ثالث. صص ۳۰۱-۳۰۷.
- دستغیب، ع. (۱۳۸۰). داستان‌نویسی صادق چوبک. دهباشی، علی. یاد صادق چوبک. تهران: نشر ثالث. صص ۴۰۷-۴۵۹.
- سپانلو، م. ع. (۱۳۶۲). نویسندگان پیشرو ایران. تهران: زمان.
- سلامت باویل، ل.، و قملاقی، ف. (۱۳۹۶). تطبیق مؤلفه‌های ناتورالیسم با آثار صادق چوبک. *مطالعات نقد ادبی*، ۴۸، ۹۱-۱۲۱.
- کسمائی، ع. ا. (۱۳۸۰). نگاهی به صادق چوبک. دهباشی، ع. یاد صادق چوبک. تهران: نشر ثالث. صص ۵۵-۶۵.
- فارسیان، م. ر.، و جوانمردی، س. (۱۳۹۳). ابراهیم گلستان در میانه راه ناتورالیسم. *مطالعات زبان فرانسه*، ۱۱، ۴۳-۵۲.
- فارسیان، م. ر.، و علوی، س. ن. (۱۳۹۸). بررسی تطبیقی مفهوم جبرگرایی در آثار امیل زولا و محمود دولت‌آبادی. *نامه فرهنگستان*، ۱، ۹۷-۱۲۱.
- فرخ، ف. (۱۳۸۰). دیدگاه نفس‌گرایانه صادق چوبک در بنای «سنگ صبور». دهباشی، علی. یاد صادق چوبک. تهران: نشر ثالث. صص ۱۳۷-۱۴۳.
- فردوسی، ع. (۱۳۸۰). جامعه‌شناسی خیر و شر در قصه‌های صادق چوبک. دهباشی، علی. یاد صادق چوبک. تهران: نشر ثالث. صص ۱۷۵-۱۹۳.
- فهم کلام، م.، محسنی، م. ر.، و هاشمی، ب. (۱۳۹۰). بررسی دیدگاه‌های ناتورالیستی زولا و چوبک. *مطالعات ادبیات تطبیقی*، ۱۹، ۸۱-۹۹.
- کامشاد، ح. (۱۳۸۰). درباره صادق چوبک. ترجمه ی. آژند و ع. دهباشی. یاد صادق چوبک. تهران: نشر ثالث. صص ۴۹-۵۲.
- میرصادقی، ج. (۱۳۸۰). ادبیات داستانی و صادق چوبک. ع. دهباشی. یاد صادق چوبک. تهران: نشر ثالث. صص ۱۴۵-۱۵۰.
- میرعابدینی، ح. (۱۳۸۰). صادق چوبک: نوشتن از اعماق مردم. ع. دهباشی. یاد صادق چوبک. تهران: نشر ثالث. صص ۵۱۷-۵۳۷.

نفیزی، آ. (۱۳۶۳). *زبان داستانی صادق چوبک در سنگ صبور*. تهران: نقد آگاه.

De Goncourt, E., & De Goncourt, J. (consulté le 08/04/2023). *Germinie Lacerteux*. (1865). <http://ebooksgratuits.com/vent/Goncourt-Germinie.pdf>

Farsian, M. R., & Javanmardi, S. (2014). Ibrahim Golestan à mi-chemin du naturalisme. *Revue des études de la langue française*, 11, 43-52.

Jafari Kardgar, S. (2009). *Étude comparative du naturalisme d'Émile Zola et de Sadegh Chubak*. Thèse de doctorat, Université Azad Islamique de Téhéran-Markaz.

Lagarde, A., & Michard, L. (1985). *Collection littéraire Lagarde et Michard XIXe siècle*. Paris: Bordas.

Zola, É. (consulté le 08/04/2023). *Le Roman expérimental*. (1881). [https://edisciplinas.usp.br/mod_resource/content/1/Le_roman_experimental_\(5e_édition\)](https://edisciplinas.usp.br/mod_resource/content/1/Le_roman_experimental_(5e_édition))

Zola, É. (consulté le 08/04/2023). *Le Naturalisme au théâtre: les théories et les exemples*. <https://classiques-garnier.com/zola-emile-le-naturalisme-au-theatre-les-theories-et-les-exemples-oeuvres-completes.html>

Zola, É. (consulté le 08/04/2023). *Les Romanciers naturalistes*. gallica.bnf.fr/ark:/12148/bpt6k215334g.image

Zola, Émile. (consulté le 08/04/2023). *Thérèse Raquin*. (1867) <https://beq.ebooksgratuits.com/vents/zola-raquin.pdf>